بیانات در دیدار دست اندرکاران کنگره بین‌المللی شهدای مدافع حرم و جبهه مقاومت - 9 /تیر/ 1403

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم (1)
و الحمد لله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا ابی‌القاسم المصطفی محمّد و علی آله الطّیّبین الطّاهرین المعصومین.
اوّلاً خیلی تشکر میکنم و خوشوقتم از اینکه این فکر در جمع حاضر به تحقق پیوست و این کار را شما با جدّیّت دارید دنبال میکنید. رحمت خدا بر شهید سلیمانی، که ایشان اشاره کردند مبدع این فکر و این کار مرحوم شهید سلیمانی بود.
موضوع «مدافعان حرم»، و این پدیده‌ی مدافعان حرم، یک پدیده‌ی شگفت‌انگیزی است، یک پدیده‌ی مهمّی است ؛ ابعاد گوناگونی دارد که به نظر بنده اگرچه گوشه‌وکنار در صحبتها و سخنرانی‌ها و مانند اینها بعضی از این ابعاد بیان شده و ذکر شده، لکن لازم است که این ابعاد به طور جامع و کامل بیان بشود. من چند نکته را یادداشت کرده‌ام که به شما برادران و خواهران عزیز عرض بکنم که ناظر به همین ابعاد این پدیده‌ی مهم و عجیب و شگفت‌آور است.
چهار جنبه را من اینجا مورد نظر قرار داده‌ام: یکی «جنبه‌ی نمادین» این کار ؛ یعنی این حرکت از جاهای مختلف به سمت حرمها و دفاع از حرمها و مانند اینها، یک معنای نمادینی دارد، یک جنبه‌ی نمادینی دارد که حالا عرض خواهم کرد. یکی از جنبه‌ی «جهان‌نگری انقلاب» که حواس انقلاب به مسائل منطقه و مسائل جهان و معادلات جهانی هست ؛ از این جنبه هم جای مطالعه هست که عرض خواهم کرد. جنبه‌ی سوّم این است که این حرکت یک خطر بزرگ را از سر منطقه و از سر کشور ما بالخصوص دور کرد ؛ این هم یک مسئله‌ی مهمّی است که درست به آن پرداخته نشده، اگرچه حالا چیزهایی گاهی گفته شده. مسئله‌ی چهارم هم این موضوع است که این حادثه نشان داد که انقلاب، بعد از گذشت چهار دهه، «قدرت بازآفرینی» حوادث ذاتی خودش را که در اوّل انقلاب بارز بود دارد. روی هر کدام از این چهار نکته من یک مختصر توضیحی عرض میکنم.
امّا آن معنای نمادین و معنای رمزی، این است که درست است که حرکت به سمت حرمهای اهل‌بیت و دفاع از حرمهای اهل‌بیت، در واقع دفاع از مزار و احترام به آن مزار است، لکن این در واقع احترام به محتوا و مکتب آن پیکر مطهّری است که آنجا قرار گرفته. آن چیزی که مهم است این است ؛ یعنی اگر چنانچه کسی برای آن فکر، برای آن آرمان، احترام قائل نباشد، هیچ دلیلی برایش وجود ندارد که برود از این مزار یا از این گنبد دفاع کند و حمایت کند. بعضی از این کسانی که رفتند در دفاع از حرم شرکت کردند، شیعه هم نبودند! ما می‌شناسیم افرادی را از کشور خودمان و جاهای دیگر که شیعه هم نبودند ؛ یعنی ممکن است فقه اهل‌بیت را هم عمل نمیکردند، امّا آرمان اهل‌بیت را چرا ؛ مهم این است.
اهل‌بیت آرمانهای بلندی دارند که اینها هیچ وقت کهنه نخواهد شد و در صدر خواسته‌های همه‌ی وجدانهای پاک و انسانهای آزاده وجود دارد، مثل عدالت، مثل آزادی، مثل مبارزه‌ی با قدرتهای ظالم و ستمگر، مثل وجوب ایثار در راه حق، فداکاری ؛ اینها آن مفاهیم بلندی است که در زندگی ائمّه وجود دارد. این حرکت، حرکت دفاع از این آرمانها و ارادت و علاقه‌ی به این آرمانها بود ؛ این خیلی مهم است. ما اگر چنانچه بتوانیم همین جنبه را، [یعنی] جنبه‌ی دفاع از آرمانها را، با این تبلیغاتی که [ایشان] اشاره کردند، به گوش مردم دنیا برسانیم، هم از حرکت دفاع از حرم حمایت کرده‌ایم، هم از آن آرمانها حمایت کرده‌ایم. چون در دنیا بالاخره وجدانهای ناآلوده وجود دارد ؛ شما نگاه کنید دیگر الان در آمریکا، مرکز مشکلات معنوی و اخلاقی، یک مشت جوان، دارند از زن و مرد غزّه ــ که اصلاً خیلی‌شان نمیدانند کجای دنیا است ــ این‌جور فداکارانه دفاع میکنند ؛ این پیدا است که وجدان پاک و ناآلوده در همه‌جای دنیا هست. اینها را باید مخاطب قرار داد ؛ این وجدانها باید مخاطب قرار بگیرند ؛ از اینها غفلت نباید بکنیم. یکی از چیزهایی که باید به اینها تخاطب کرد و منتقل کرد همین است ؛ این آرمانها. این آرمانها آن‌چنان جاذبه‌ای دارد که جوان را از خانه و زندگی و عشق و محبّتِ پدرفرزندی و زن و شوهری و غیره میکند میبرد برای دفاع. این، نکته‌ی

اوّلی که در این حرکت وجود دارد.
دشمنیِ آن کسانی هم که باعث شدند این حرکت به وجود بیاید ــ یعنی همان کسانی که حرمها را تهدید کردند و مانند اینها ــ در واقع با همان آرمانها است ؛ اشخاصی که سالها و قرنها است از دنیا رفته‌اند، مثل متوکل عبّاسی. متوکل عبّاسی چرا با قبر امام حسین آن کارها را میکرد؟ امام حسین که بیش از ۱۵۰ سال بود از این عالم مادّه رها شده بود، پرواز کرده بود ؛ او که وجود نداشت. آن چیزی که متوکل را وادار میکرد که برود این کارها را بکند، دست قطع کند، پا قطع کند، آدم بکشد، آب ببندد، و کارهایی مانند اینها بکند، آن حقیقتی بود که در ورای این قبر، در ورای این گنبد، این مزار و این ضریح وجود داشت. او از آن «حقیقت» نگران بود که البتّه حق هم داشت نگران باشد ؛ چون آن حقیقت امثال متوکل را میکوبد. در همیشه‌ی تاریخ همین‌جور است، امروز هم همین‌جور است. این نکته‌ی اوّل.
نکته‌ی دوّم که گفتیم مسئله‌ی «جهان‌نگری انقلاب». یکی از نیازهای حتمی نهضتها این است که به محدوده‌ی وجود خودشان و حضور خودشان اکتفا نکنند، [بلکه] به خارج از محدوده هم نظر داشته باشند ؛ بخصوص در شرایطی مثل شرایط کنونی دنیا که کشورهای قدرتمندی هستند که اینها میتوانند دست‌اندازی کنند. الان تعداد پایگاه‌های آمریکایی در کشورهای دنیا یک تعداد بی‌شماری است ؛ در همه‌جای دنیا اینها پایگاه دارند. در یک چنین شرایطی، هر نهضتی، هر حرکتی، هر انقلابی، اگر فقط متوجّه محیط درونی خودش باشد و از فعل و انفعالات خارجی غفلت کند، قطعاً ضربه خواهد خورد. لذا یکی از نیازهای حتمی هر نهضتی، هر حرکتی، حرکت اجتماعی‌ای، سیاسی‌ای وجود نگاه به محیط بین‌المللی، محیط منطقه‌ای، تعاملها، رابطه‌ها، نسبت‌ها و مانند اینها است.
ما در این زمینه، در گذشته‌ی تاریخیِ نه‌چندان دور خودمان، حدّاقل دو بار گزیده شدیم: یکی در قضیّه‌ی مشروطه، یکی در قضیّه‌ی نهضت ملّی نفت. در قضیّه‌ی مشروطه ــ حالا آن دخالت انگلیس‌ها در اوّل کار به جای خود ــ بعد از آنکه مشروطه سرپا شد و درست شد، گرفتاری‌های علاقه‌مندان به مشروطه و مسئولان و دلسوزان و دنبال‌گیران مشروطه متوجّه مسائل داخل کشور شد ــ کشمکش‌ها و درگیری‌های این با آن و آن با این ــ از بیرون غفلت کردند. از اینکه ممکن است یک وقت سیاست انگلیس اقتضا کند یک رضاخانی را بیاورد که مشروطه و غیر مشروطه و همه را جارو کند بریزد دور، غفلت کردند و این بلا سرشان آمد. غفلت از امکان دخالت انگلیس موجب شد که ناگهان صبح کردند ــ به تعبیر رایج ــ در حالی که دیدند یک رضاخانی قلدر و زورگو آمده سر کار ؛ اوّل شد سردار سپه، بعد هم شد شاه. در خاطرات یکی از وابستگانشان خواندم که از قول رضاشاه میگوید «اگر میدانستیم شاه شدن این‌قدر آسان است، زودتر شاه میشدیم»! یعنی غفلت کردند دیگر ؛ افراد غفلت کردند، اینها آمدند سر کار ؛ انگلیس‌ها دخالت کردند، آوردندش سر کار. ببینید، سر کار آمدن رضاخان پانزده سال بعد از مشروطه است ؛ زمان زیادی نگذشته. در ظرف پانزده سال، داخل کشور چه ابتلائاتی داشت که موجب شد غفلت کنند ؛ این یک مورد.
یک مورد هم مسئله‌ی نهضت ملّی است. خب، آن‌همه شور و هیجان ــ حالا بنده تا حدودی یادم هست آن شور و هیجان مردمی را، آن تظاهرات را، آن میتینگ‌هایی را که داده میشد که ما در مشهد مثلاً یک گوشه‌اش را شاهد بودیم ــ و علاقه‌مندی مردم و مانند اینها، با یک کودتای باید گفت واقعاً فکسَنی (2) [خاموش شد]! یعنی اصلاً هیچ معنای واقعیِ کودتای نظامیِ آن‌چنانی هم در آن وجود نداشت ؛ یک مشت الوات و اوباش و مانند اینها، با یک چمدان پول آمریکایی، از داخل سفارت انگلیس در تهران هدایت شدند، یک حکومت ملّی منتخب مردم را که با شور و شوقی به کار آمده بود ساقط کردند ؛ تمام شد و از بین رفت، و هیچ اثری از آن باقی نماند ؛ به خاطر غفلت. سرگرم مسائل داخلی شدن و از امکان دخالت دخالتگرانِ خارجی غفلت کردن، این بلا را سر کشور آورد.
انقلاب اسلامی ایران و نهضت اسلامی ایران از روز اوّل متوجّه این نکته بود. امام در اوّلین سخنرانی‌هایی که کردند، در کنار اسم آوردن از فجایع رژیم شاه و مانند اینها، اسم آمریکا را آوردند، اسم صهیونیسم را آوردند، اسم اسرائیل را آوردند ؛ از اوّل، متوجّه این قضایا بودند. از شروع مبارزه، شاید حدود یک سال و دو سه ماه گذشته بود که امام علیه کاپیتولاسیون (3) آن سخنرانی را انجام دادند ؛ یعنی امام متوجّه کاپیتولاسیون بود، متوجّه مصوّبات مجلس بود، متوجّه دخالت دیگران در مسائل داخلی کشور بود. از اوّل پیروزی انقلاب هم، نگاه امام به بیرون بود. خب، فرمایشات امام سرشار است از حلّ مسائل داخلی و پرداختن به مسائل داخلی، امّا در اغلب فرمایشات امام که شما نگاه کنید،

اشاره‌ی به خطرات بیرونی و امکاناتی که کشور را تهدید میکند وجود دارد. نگرش جهانی، نگرش منطقه‌ای، نگرش جامع، غفلت نکردن و مشغول نشدن و سرگرم نشدن فقط به مسائل داخل ؛ این در انقلاب وجود داشت.
یکی از مظاهر عمده و مهمّش همین مسئله‌ی حضور رزمندگان ما است در کشورهایی که در آنجاها دشمن نقشه کشیده بود، طرّاحی کرده بود ؛ طرّاحی بسیار مهمّی هم انجام گرفته بود ؛ در درجه‌ی اوّل در عراق، در سوریه و تا حدودی هم در لبنان ؛ دشمن نقشه کشیده بود که نقشه‌ی مهمّی بود. یک گروهی را به اسم اسلام و با پشتیبانی انگیزه‌های مذهبی ــ که خیلی انگیزه‌ی مهمّی [است] و کارکرد بسیار مهمّی دارد ــ در مشت آمریکا، زیر پنجه‌ی آمریکا [شکل دادند]. داعشی‌ها در میدان جنگ «اللّه‌اکبر» میگفتند، زخمی‌هایشان در اسرائیل، داخل بیمارستان‌های آنجا بستری میشد و رؤسای رژیم صهیونیستی میرفتند عیادت اینها! که پخش شد، و همه این را دیدند. این نقشه‌ی خیلی خطرناکی بود. هدف این نقشه هم تصرّف منطقه بود برای تصرّف ایران ؛ یعنی ایران اسلامی در مجموعه‌ی منطقه باید در تصرّف آمریکا و دستگاه استکبار و استعمار قرار میگرفت ؛ این نقشه را برای این چیده بودند. خرج هم کرده بودند ؛ هفت هزار میلیارد دلار خرج کردند ؛ یعنی این آماری است و رقمی است که شخص اوّلِ رسمیِ آمریکا (4) بارها اعلام کرد. هفت تریلیون دلار در این منطقه اینها خرج کردند ؛ بر باد رفت ؛ همه‌ی خرج اینها باطل شد. اینها میخواستند به وسیله‌ی داعش حکومتهایی تشکیل بدهند به نام اسلام، دو طرفِ ایران اسلامی را ــ شرق ما در یک کشور، غرب ما در یک کشور ــ اسلام تکفیری را علم کنند و جمهوری اسلامی را در واقع با فشارهای گوناگونِ مذهبی و فکری و عقیدتی، علاوه بر اقتصادی و مانند اینها، حل کنند، هضم کنند، از بین ببرند ؛ حرکت مدافعان حرم این را خنثی کرد ؛ یعنی یک گروه جوان و پیر، از کشورهای مختلف و با مرکزیّت جمهوری اسلامی توانستند یک نقشه‌ی مهمّ پُرخرجِ حساب‌شده‌ی دستگاهِ استکبار و استعمار را بکلّی خنثی کنند ؛ این جهان‌نگری انقلاب خیلی چیز مهمّی است.
خاورمیانه‌ی جدید که میگفتند همان خاورمیانه‌ای بود که اینها مختصّاتش بود: در سلطه‌ی مطلق آمریکا، حاکمیّتی با پشتوانه‌ی دینی، هم در عراق، هم در سوریه، به نام دین، امّا به کام اسرائیل و آمریکا و مانند اینها و فشار روی جمهوری اسلامی از دو طرف. حرکت مدافعان حرم، با این نگاه، منطقه را نجات داده ؛ یعنی این چیز مهمّی است که منطقه را از یک خطر بزرگ، از شرّ یک نقشه‌ی خطرناک نجات داده. این هم نقطه‌ی دوّم.
نکته‌ی سوّم که گفتیم، چه بود؟ از جنبه‌ی خنثی‌سازی یک خطر بزرگ داخلی ؛ ناامنی. داعش و بقیّه‌ی گروه‌هایی که دنباله‌رو یا کنار یا رقیب آن در سوریه و عراق بودند، اگر با همان تشکیلات و همان سازمان‌دهی و مانند اینها [تا کنون] بودند، امنیّت را از کلّ منطقه ربوده بودند، از جمله از ایران، و بدون تردید، ما باید هر چند روز یک بار در کشورمان شاهد قضایایی مثل قضایای شاهچراغ شیراز (5) و قضایای کرمان (6) میبودیم ؛ در عراق هم همین‌جور بود، در سوریه هم همین‌جور بود، تا وقتی که حاکمیّت دست خودشان بیفتد. این خطر را مجاهدینِ مبارز مدافعِ حرم از بین بردند.
بله، حالا گوشه‌وکنار هستند، تحت حمایت آمریکا هم هستند، داعشی‌ها هنوز بکلّی نابود نشده‌اند، امّا دیگر آن سازمان‌دهی از بین رفت. تصوّر اینکه این مجموعه اگر متلاشی نمیشد چه میشد، واقعاً نگران‌کننده است. این آدمهای بی‌رحم، این مجموعه‌ی بشدّت بی‌رحم کارهایی میکردند که سابقه نداشت ؛ جلوی دوربین، انسانها را زنده‌زنده بسوزانند، زنده‌زنده غرق کنند و هم از پشتیبانی مالی آمریکا، هم از پشتیبانی‌های فنّی و تبلیغاتی غربی بهره‌مند باشند! کارهایی که اینها میکردند، این فیلم‌برداری‌ها و عکس‌برداری‌ها و آن کارهای ظریف و دقیقی که در کار اینها بود، کار یک مشت آدم بی‌سواد آن‌جوری نبود ؛ اینها کمک میشدند، کمک شده بودند. اینها بنا بود بیایند در منطقه حضور داشته باشند که [در این صورت،] دیگر امنیّتی برای کسی باقی نمیماند. این هم یک نکته‌ی دیگر.
نکته‌ی آخر آن چیزی است که گفتیم: حضور مدافعان حرم نشان داد که انقلاب اسلامی قدرت بازآفرینی و استمرار همان شور و حماسه‌ی اوّل انقلاب را دارد ؛ یعنی این را ثابت کرد. معمولاً اوایل نهضتها یک شور و انقلابی هست، بعد بر اثر عوامل گوناگون، آن حماسه، آن شور، آن انگیزه، اوّل ضعیف میشود، بعد بکلّی از بین میرود و همین موجب میشود که بکلّی بساط آن دستگاه نهضت برچیده بشود. این را ما در تاریخ نزدیک معاصر خودمان، مثل انقلاب

فرانسه و انقلاب شوروی و امثال اینها مشاهده کرده‌ایم. یک حرکت عظیم مردمی اتّفاق می‌افتد در کشوری مثل فرانسه، همه‌جای فرانسه را فرامیگیرد، انقلابی سر کار می‌آید، بعد در مدّت تقریباً دوازده سیزده سال، یک فعل‌وانفعالاتی و افت‌وخیزهایی اتّفاق می‌افتد ــ که خب همه‌ی اینها نشان‌دهنده‌ی ضعف معنوی و اخلاقی آنها است ــ و نتیجه‌اش این میشود که بکلّی آن نهضت از بین میرود، امپراتوریِ مستبدّی مثل ناپلئون سر کار می‌آید ؛ معمولاً این‌جوری است. در جمهوری اسلامی هم بعضی انتظار داشتند این‌جوری بشود، [امّا] حضور مدافعان حرم نشان داد که بعد از چهار دهه هنوز آن انگیزه وجود دارد.

[روایت] این جوانهایی که از خانه و زندگی خودشان خود را جدا کردند و رفتند ــ که بنده بعضی از این کتابها را نگاه کرده‌ام ــ واقعاً تکان‌دهنده است ؛ واقعاً تکان‌دهنده است! یک جوانی با امکانات جوانی، با امکانات جوانی کردن، از آسایش، از محبّت، از برخورداری‌های مادّی، از رشد تحصیلی و مانند اینها خودش را جدا میکند میرود برای دفاع از یک فکر، از یک حرکت، از یک انقلاب، از یک نهضت! این چیز خیلی مهمّی است. اینها نه امام را دیدند، نه دوران جنگ و دفاع مقدّس را دیدند، امّا انسان میبیند همان‌جور، با همان انگیزه، گاهی بهتر، گاهی روشن‌بینانه‌تر میروند این‌جور میجنگند، جان خودشان را کف دست میگیرند، بعضی شهید میشوند، بعضی‌ها هم شهید نمیشوند. این نشان‌دهنده‌ی آن است که انقلاب این توان عجیب را دارد ؛ این خیلی مهم است. البتّه در شکلهای مختلفِ دیگرش هم مثل این راه‌پیمایی‌های بیست‌ودوّم بهمن و این تشییع‌های عجیب و غریبی که شبیه آن در هیچ جای دنیا دیده نشده ــ همین تشییع اخیر و تشییع شهید سلیمانی و امثال اینها واقعاً هیچ جای دنیا شبیه اینها دیده نشده ــ اینها را دیده بودیم، امّا برتر از اینها همین حضور مدافعان حرم در میدانهای نبرد است.

حتّی بعضی از این کسانی که تحلیل‌های مادّی گریبانشان را گرفته و رها نمیکند، هر کاری هم [بکنید]، هر استدلالی هم که میکنید، حاضر نیستند آن استدلال را به ذهنشان وارد کنند تا ذهنشان را قانع کند ؛ گفت:

هر درونی کو خیال‌اندیش شد

چون دلیل آری خیالش بیش شد (7)

چشمشان به غرب و به انگیزه‌ها و به همان مبانی فکری غلط غربی است ؛ انتظار داشتند که انقلاب که قیامی علیه این فکر مادّی است بتدریج ضعیف بشود. بعضی‌ها خودشان هم اوّل، انقلابی بودند، بعد تبدیل شدند به یک مخالف یا مقابل یا لااقل مغایر با تفکر انقلابی ؛ آنها میگفتند که آن کسانی هم که در دفاع مقدّس بودند اگر تا حالا میماندند، مثل ما بودند ؛ قیاس به نفْس میکردند. این جوانها نشان دادند که نه، این غلط است، این‌جوری نیست. صفا و شجاعت و ایثار و اخلاص و اعتقاد عمیق به مبانی اسلامی و انقلابی در این جوانهایی که رفتند، واقعاً شگفت‌انگیز است، واقعاً یک پدیده‌ی بی‌نظیری است ؛ انسان تعجّب میکند. جز لطف خدا، جز هدایت الهی و سرانگشت هدایت ائمّه‌ی معصومین (علیهم السّلام)، چیز دیگری نمیتواند باشد. حالا بزرگانشان مثل شهید سلیمانی و شهید همدانی و بزرگان دیگری که در این راه به شهادت رسیدند که به جای خود محفوظ.

بنابراین بنده نتیجه میگیرم که مدافعان حرم و خانواده‌هایشان مایه‌ی افتخار و سرافرازی ایران اسلامی‌اند ؛ مایه‌ی نجات و کامیابی انقلاب اسلامی هستند و جمهوری اسلامی قطعاً رهین منّت این عزیزان، این شهیدان و این خانواده‌ها و این مدافعان است. خداوند ان‌شاءالله درجاتشان را عالی کند و روحشان را با پیغمبر محشور کند و آنها را از ما راضی کند، ما را هم به آنها ملحق کند.

والسّلام‌علیکم‌ورحمة‌الله‌وبرکاته

1) در ابتدای این دیدار، سردار سرتیپ پاسدار جناب آقای قاآنی فرمانده محترم نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حجت الاسلام والمسلمین آقای علی شیرازی مسئول محترم برگزاری کنگره گزار شی ارائه کردند.

2) بی‌اهمّیّت، ضعیف

3) پس از تصویب لایحه ی استفاده‌ی مستشاران آمریکایی در ایران از مصونیّتها و فعّالیّتهای قرارداد وین ــ کاپیتولاسیون ــ در ۲۱/۷/۱۳۴۳ از سوی نمایندگان دو مجلس سنا و شورای ملّی، در چهارم آبان ۱۳۴۳ امام خمینی

(قدّس سرّه) با انتشار اعلامیّه و با ایراد سخنرانیِ مهیّج و کوبنده ای، تصریح کردند که کاپیتولاسیون اقرار به مستعمره بودن ایران است و رأی مجلس سنا و شورای ملّی خلاف اسلام و قرآن و از اعتبار قانونی ساقط است. در واکنش به این اظهارات، رژیم سرسپرده ی پهلوی در سیزدهم آبان ۱۳۴۳ امام خمینی را به ترکیه تبعید کرد. ر.ک: صحیفه‌ی امام، ج 1، ص 415 ؛ سخنرانی در جمع مردم (4/8/1343)

4) دونالد ترامپ

5) در غروب روز چهارشنبه چهارم آبان سال 1401، فردی مسلّح پس از ورود به حرم مطهّر حضرت احمدبن‌موسیٰ (علیه السّلام) به سوی زائران تیراندازی کرد که در این حادثه 13 نفر به شهادت رسیدند و تعدادی نیز مجروح شدند. پس از این حادثه، گروه تروریستی داعش مسئولیّت این حمله را به عهده گرفت.

6) در سیزدهم دی 1402، مصادف با چهارمین سالگرد شهادت شهید قاسم سلیمانی (فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)، انفجار دو بمب در میان جمعیّت منجر به شهادت نزدیک به صد نفر و مجروحیّت عدّه‌ای از زائرین گلزار شهدای کرمان گردید.

7) مولوی. مثنوی معنوی، دفتر دوّم ؛ از شعری با مطلع «گفت هر مردی که باشد بدگمان / نشنود او راست را با صد نشان»